

بزه کاری و بزه دیدگی کودکان خیابانی

9

راهکارهای پیشگیری

دکتر رضاعلی محسنی

عضو هیأت علمی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی گرگان

مقدمه

پدیده ی کودکان خیابانی (*Street Children*) یکی از آسیب‌های اجتماعی است که نه تنها بخش قابل توجهی از کودکان و نوجوانان را که سرمایه‌های آینده جامعه هستند در معرض انواع آسیب‌ها قرار داده؛ بلکه جامعه را نیز با زیان‌های فراوانی روبه‌رو ساخته است. امروزه از این پدیده به‌عنوان یک مسأله (*Problem*) یا مشکل اجتماعی نام می‌برند که از دیر باز در کشورهای مختلف وجود داشته و در دهه‌های اخیر به دلایل گوناگون افزایش یافته است.

پدیده ی خیابان گردی هم در کشورهای در حال توسعه و هم در جوامع توسعه یافته، یافت می‌شود؛ به‌طوری‌که شمار چنین افرادی در سراسر جهان به ۱۴۵ میلیون نفر می‌رسد و بیش‌تر آنان در قاره‌های آسیا و آمریکا زندگی می‌کنند. بیش‌تر این کودکان در میدان‌های بزرگ پایانه‌های مسافری، پارک‌ها و بوستان‌ها زندگی می‌کنند و به مشاغلی از قبیل روزنامه فروشی، گل فروشی در چهارراه‌ها، وزن‌کشی، فروش فال، تکدی‌گری، فروش کیسه پلاستیک و آدامس، پاک کردن شیشه اتومبیل‌ها و مانند آن مشغولند و از بیکاری و نداشتن امید به آینده رنج می‌برند.

مسئله کودکان خیابانی به واسطه‌ی عدم انسجام خانواده‌ها، فقر و مرگ والدین در کشمکش‌های مسلحانه، جدی و جدی‌تر می‌شود. کودکان به بخش کم‌تر مستقل جامعه بدل شده و به ذخیره‌ی جرایم سازمان‌یافته، مشارکت در کشمکش‌های مسلحانه، ابزار کسب پول از طریق قاچاق انسان و استثمار جنسی تبدیل می‌شوند.

طبق پیمان‌نامه‌ی حقوق کودک که ایران نیز در سال ۱۳۷۳ به عضویت آن درآمده است، کودکان و نوجوانان علاوه بر حقوق دیگر، حق زندگی، بقا و رشد دارند و نیز حق زندگی در کانون خانواده از حقوقی است که برای کودکان و نوجوانان طبیعی شمرده شده و دولت‌های عضو پیمان‌نامه را ملزم به رعایت و تحقق آن دانسته است.

بنابراین، با هدف شناخت پدیده‌ی کودکان خیابانی، ابعاد آسیب‌شناختی و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی و فراهم‌سازی شرایط سالم محیط اجتماعی و خانواده، این مسأله مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۱- مفهوم کودکان خیابانی

از نظر یونسف کودکان خیابانی، به کودکانی اطلاق می‌شود که در شهرهای بزرگ برای ادامه‌ی بقای خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان‌ها هستند. به گزارش یونسکو، کودکان خیابانی، کودکان و نوجوانان ولگرد و آواره‌ای هستند که از خانه و کاشانه خود بریده‌اند و در خیابان‌ها با گدایی و دست فروشی و نظایر آن روزگار می‌گذرانند و در کوچه‌ها و پیاده‌روها می‌خوابند.

از نظر مسایل کیفری، پایان کودکی در دختران نه‌سال و در پسران پانزده سال تمام است. مطابق ماده (۴۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسؤولیت کیفری هستند» و تبصره یک همان ماده مقرر داشته است «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است» بلوغ شرعی طبق مقررات قانون مدنی در دختر نه‌سال تمام و در پسر پانزده سال تمام قمری است. بنابراین، کودکی دختر در خصوص مسایل کیفری در نه‌سالگی و در پسر پانزده‌سالگی به پایان می‌رسد. در یک تعریف جامع از «کودک خیابانی» می‌توان گفت، کودک خیابانی به تمام کودکانی اطلاق می‌شود که بیش‌تر وقت خود را در خیابان می‌گذرانند، چه مشغول به کار باشند و چه نباشند، چه با خانواده خود در ارتباط باشند و چه نباشند و یا اصلاً خانواده نداشته باشند.

۱-۲- تعریف سازمان بهداشت جهانی

سازمان بهداشت جهانی (WHO) کودکان خیابانی را به چهار گروه تقسیم‌بندی می‌کند:

- ۱- کودکان خیابانی که خانه و خانواده ندارند و در خیابان به سر می‌برند.
- ۲- کودکانی که به دلایل مختلف از خانواده خود جدا شده‌اند و با دوستان خود یا در نقاط متروک زندگی می‌کنند.
- ۳- کودکانی که قبلاً بی‌خانمان بوده‌اند و در حال حاضر در سر پناه‌ها یا

کودک آزاری و غفلت نسبت به کودکان، هم عواطف کودکان را جریحه‌دار می‌سازد و هم به احساسات بزرگسالان لطمه می‌زند. زیان غفلت و سستی در این کار، به مراتب بیش از هزینه‌هایی است که بالقوه برای پیش‌گیری از آزار به کودکان پرداخت می‌شود.

مراکز خاص نگهداری می‌شوند.

۴- کودکانی که با خانواده خود زندگی می‌کنند اما به علت فقر یا مشکلات دیگر بیش‌تر وقت خود را در خیابان می‌گذرانند.

برخی از این کودکان به کارهای گوناگون در خیابان مشغولند و کودکان کار و خیابان را تشکیل می‌دهند.

این پدیده را از یک نگاهی دیگر می‌توان به سه دسته عمده طبقه‌بندی کرد:

۱- آن‌هایی که هیچ ارتباطی با خانواده خود ندارند، شامل کودکان بی‌کس، بی‌خانمان، رانده شده (سرراهی)، فراموش شده، فراری، گمشده، دزدیده شده و استثمار شده (چه آن‌هایی که مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند و چه آن‌هایی که از نظر جسمی بر آن‌ها ستم رفته است).

۲- آن‌هایی که فقط گاهی با خانواده خود در ارتباط هستند.

۳- آن‌هایی که همراه خانواده در خیابان‌ها، ترمینال‌ها، پارک‌ها و گوشه و کنار شهرها زندگی و کار می‌کنند.

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان کودکان خیابانی را به دو دسته عمده تقسیم کرد:

۱-۱- کودکان خیابانی (Homeless Children)

این گروه شامل آن دسته از کودکانی است که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند و روابط بسیار کمی با خانواده خود دارند یا اصلاً خانواده ندارند و با روابط خود را با آن قطع کرده‌اند.

۱-۲- کودکان در خیابان (Street Children)

این‌ها کودکانی‌اند که عموماً در طول روز در خیابان هستند و شب‌ها به منزل برمی‌گردند. این کودکان اغلب کمک معاش خانواده خود هستند.

کودکان خیابانی (دسته اول) را با مفاهیم و اصطلاحاتی چون «کارتن خواب‌ها»، «قطار خواب‌ها»، «توبوس خواب‌ها»، «سینما خواب‌ها» نام می‌برند.

کارتن خواب‌ها کسانی‌اند که شب‌ها را در خیابان می‌گذرانند. به عبارتی، شب

۲۰۰۰ م. دو برابر می‌شود. در همین دوره زمانی انتظار می‌رفت تعداد کودکان در موقعیت‌های به‌ویژه مشکل از هشتاد میلیون نفر به یک صد و پنجاه میلیون نفر افزایش یابد. این مسأله در سایر مناطق و کشورها نیز وضعیت اسفباری دارد.

با احتیاط می‌توان برآورد کرد که بیش از ۱۳۰۰۰ کودک خیابانی در مکزیکوسیتی زندگی می‌کنند که نود درصد آن‌ها قربانی برخی انواع بهره‌کشی جنسی می‌شوند. در سال ۲۰۰۰ م. ۲۸۰۰۰ کودک خیابانی به‌طور رسمی در شهر مسکو گزارش شده‌اند و در سال گذشته جمعیت جوان خیابانی به ۳۲۰۰۰ نفر رسیده است که بیست درصد آن‌ها اهل مسکو بوده‌اند. بر اساس آمارهای موجود، در حال حاضر بیش از ۱۴۵ میلیون کودک خیابانی در جهان وجود دارند.

قاره‌های آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا به ترتیب بیش‌ترین کودکان خیابانی را به خودشان اختصاص داده‌اند. بر اساس آمار گزارش شده، حدود ۲۵۰ میلیون کودک زیر سن قانونی کار و در کشورهای جهان سوم به کار اشتغال دارند که بخشی از آنان کودکان خیابانی‌اند و در نتیجه به آمار کودکان خیابانی افزوده می‌شود.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، شمار شاغلان ۱۰ تا ۱۴ سال را معادل ۱/۴۷ درصد از کل شاغلان این سال، یعنی ۲۴۱ هزار نفر بیان کرده است. با این حساب، شمار شاغلان ۶ تا ۱۴ سال با توجه به معیار بالا باید رقم ۵۳۳ هزار نفر باشد.

شمار کودکان شاغل در سال ۱۳۷۵ که بیش از ۵۹۰ هزار نفر بوده است نه تنها در سال ۱۳۸۱ کاهش نیافته، بلکه افزایش نیز داشته است. حدود ۲۵۰ هزار نفر از کودکان ۴ تا ۱۴ سال، به کار توأم با دریافت مزد اشتغال دارند. استان‌های زنجان، قزوین و آذربایجان غربی در صدر فهرست قرار دارند. واقعیت این است که در کشور ما آمار و اطلاعات دقیقی در مورد کودکان خیابانی وجود ندارد. بر اساس آمارهای رسمی، تعداد آن‌ها ۲۰ هزار نفر است. آمارهای غیر رسمی این تعداد را بین ۴۰۰ هزار تا یک میلیون نفر برآورد می‌کنند. آنچه مسلم است با توجه به شرایط موجود، تعداد کودکان خیابانی در کشور ما به‌ویژه در شهرهای بزرگ رو به افزایش است، تا جایی که مدیر کل امور آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی اظهار می‌دارد که تعداد کودکان خیابانی در سطح استان تهران در سال ۱۳۸۱، ۱۴۵۰ مورد بوده است که این رقم در شش ماهه اول ۱۳۸۲ به ۱۲۷۰۸ مورد افزایش یافته است. (روزنامه ایران، ۳ دی‌ماه ۱۳۸۲)

عوامل مؤثر بر بروز و گسترش پدیده کودکان خیابانی ظهور و گسترش پدیده‌ها و مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را می‌بایستی در قالب منظومه‌ای از مفاهیم و متغیرهای تأثیرگذار و به‌صورت چند بعدی تحلیل کرد. در همین راستا پدیده کودکان خیابانی را باید بر مبنای علل و عوامل متعددی بررسی کرد.

در کنار تهویه مغازه‌ها، سازمان‌ها، در خرابه‌ها یا روی چمن‌ها و اگر بتوانند در مساجد یا اماکن مذهبی می‌خوابند.

اتوبوس خواب‌ها کسانی‌اند که در روز کارهای خود را انجام می‌دهند و شب به ترمینال می‌روند، بلیط اتوبوس تهیه می‌کنند و تا صبح که به مقصد برسند، در اتوبوس می‌خوابند.

قطار خواب‌ها کسانی‌اند که در قطار اقدام به جیب‌بری و دزدیدن ساک و چمدان مسافرها می‌کنند و شب‌ها را هم در قطار می‌خوابند.

سینما خواب‌ها شب‌ها اغلب به سرقت مغازه‌ها یا منازل، وسایل اتومبیل و یا صندوق‌های خیریه مشغولند و روز را در سینما می‌خوابند.

در رابطه با کودکان در خیابان (دسته دوم) اصطلاحاتی همانند "بچه‌های پارک" و "بچه‌های معروف" باب شده است. بچه‌های پارک، بیش‌تر اوقات در پارک‌ها هستند. آن‌ها در پارک‌های بزرگ و معروف شهر روزگار می‌گذرانند. بچه‌های معروف، اغلب به بچه‌هایی اطلاق می‌شود که از وضع اقتصادی خوبی برخوردارند و بیش‌تر اوقات با لباس‌های شیک و پول‌های توجیبی فراوان و سوار بر ماشین‌های گران‌قیمت در بالای شهر جولان می‌دهند. دختر معروف، اغلب دخترهایی فراری‌اند که هر کدام در یک منطقه شهری معروف می‌شوند و برای خودشان لقبی دارند و کارهای خلاف می‌کنند و اسامی خاص خود را دارند.

کودکان خیابانی با وجود تفاوت‌هایی که با یک‌دیگر دارند در یک مورد مشترکند و آن این است که بیش‌ترین وقت خود را در خیابان می‌گذرانند و در نتیجه، از بسیاری از حقوق و نیازهای اولیه خود مانند آموزش، بهداشت، امنیت، تغذیه و... محروم‌اند.

کودکان خیابانی: آمار و واقعیت‌ها

اهمیت توجه به مسایل کودکان خیابانی با تعداد زیاد نمونه‌ها در سراسر جهان اثبات می‌شود. در سال ۱۹۹۲ م. برآورد شده بود که آفریقا دارای شانزده میلیون کودک خیابانی است و پیش‌بینی شده بود این رقم در سال

**پدیده‌ی کودکان خیابانی
(Street Children) یکی از آسیب‌های
اجتماعی است که نه تنها بخش
قابل توجهی از کودکان و نوجوانان
را که سرمایه‌های آینده جامعه
هستند در معرض انواع آسیب‌ها،
قرار داده؛ بلکه جامعه را نیز با
زبان‌های فراوانی روبه‌رو ساخته
است.**

در مطالعه منابع مرتبط با موضوع و جمع‌بندی نظریات کارشناسان، مهم‌ترین عوامل عبارتند از:

- ۱- عدم توزیع عادلانه ثروت در جامعه و وجود فاصله شدید طبقاتی.
- ۲- عدم سیاست‌گذاری دولت در زمینه کنترل جمعیت.
- ۳- فقر، بیکاری و ناکافی بودن درآمد.
- ۴- مهاجرت داخلی (مهاجرت از روستا و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ)
- ۵- مهاجرت بین‌المللی (در سال ۱۳۷۷، ۵۵ درصد کودکان خیابانی که در زاهدان به‌طور اتفاقی مصاحبه شده‌اند، افغانی بوده‌اند).
- ۶- بالا بودن هزینه‌های تحصیلی و جذابیت نداشتن نظام آموزشی.
- ۷- فقدان یا نارسایی قوانین حمایتی برای کودکان خیابانی.
- ۸- فقدان یا ضعف مشارکت دولت‌ها با مردم در کنترل و محدود ساختن پدیده کودکان خیابانی.

- ۹- فقدان نهادها یا سازمان‌هایی که مسؤول مستقیم رسیدگی به مشکلات کودکان خیابانی شوند.
- ۱۰- جنگ و اغتشاشات داخلی.
- ۱۱- محیط خانوادگی (خانواده پرجمعیت، خانواده‌های پرتنش، جدایی والدین، اعتیاد در خانواده، سابقه بزهکاری والدین، خشونت والدین، وجود ناپدری و نامادری، بیماری‌های روانی والدین)
- ۱۲- تبعیض و بی‌عدالتی (در خانه، مدرسه و اجتماع)
- ۱۳- عوامل فردی (زیستی و روانی) نظیر ویژگی‌های شخصیتی کودکان، بحران هویت، فرار از خانه و مدرسه، بحران بلوغ، ناکامی در آرزوها.
- ۱۴- اغفال دوستان و همسالان.

آسیب‌شناسی بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی در کشورهای دنیا از جمله در ایران، ضرورت پرداختن به مسأله کودکان خیابانی به دلایل زیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:

- ۱- کودکان خیابانی پدیده‌ای روبه رشد در جامعه ماست.
 - ۲- کودکان خیابانی از محروم‌ترین کودکانی هستند که از بیش‌ترین حقوق اساسی خود بی‌بهره‌اند و ضرورت حمایت از آنان در چهارچوب دفاع و حمایت از حقوق کودکان به شدت احساس می‌شود.
 - ۳- کودکان خیابانی به علت ویژگی‌های زندگی خود، منشاء بسیاری از رفتارهای نادرست هستند که نه تنها به خود آسیب می‌رسانند، بلکه سلامت جامعه و افراد دیگر را نیز به مخاطره می‌اندازند.
 - ۴- کودکان خیابانی به علت شرایط خاص زندگی خود به شدت مورد انواع آزار و سوء استفاده قرار می‌گیرند، و به سلامت جسمی و روانی آنان آسیب‌های جدی وارد می‌شود.
- وجود خانواده ناسامان و بد رفتاری با کودکان و رشد رفتارهای خشن علیه کودکان از مبانی و منشاء آسیب دیدگی کودکان خیابانی است. بد رفتاری

کودکان خیابانی به دلیل ضعف جسمانی و روانی، "بزه‌دیدگان بالقوه" محسوب می‌شوند و آماجی مطلوب برای سوء استفاده کنندگان و به ویژه باندهای تبه کاری هستند.

با کودک (هرگونه خشونتی که به قصد آزار جسمی به کودک اعمال یا به این نیت تلقی شود، بد رفتاری جسمی با کودک نامیده می‌شود در رشد و گسترش پدیده کودکان خیابانی نقش به‌سزایی دارد.

بد رفتاری با کودکان یک بیماری طبی، روانی و اجتماعی است که از ابعاد مختلف، آحاد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عاملان این آسیب، بزرگسالان و افراد مورد آسیب، کودکان هستند. مطالعات نشان می‌دهد در خانواده‌هایی که پدران در فراهم کردن قالب‌ها و الگوهای کافی برای رشد بچه ناتوان هستند، بچه‌ها بزهکار از آب در می‌آیند. در حدود سه پنجم پسران و یک دوم دختران بزه کار از خانواده‌هایی برخاسته‌اند که والدین آنان در قید حیات هستند.

کوپوسوامی می‌نویسد: کودکان باید در محیط منزل احساس امنیت داشته باشند. وعد و وعیدهای انجام نگرفته از سوی والدین حس اعتماد را در کودکان کاهش می‌دهد. کودکان باید با والدین خود در خصوص نیازها و خواسته‌هایشان به راحتی و صمیمانه صحبت کنند، یک ولی مقتدر نمی‌تواند در برپایی نظام دموکراتیک در محیط خانواده خوب عمل کند.

از مصادیق عینی کودک آزاری که در گسترش پدیده کودکان خیابانی نقش دارد، می‌توان به آزار و سوء استفاده جسمی (Physical Abuse)، سوء استفاده جنسی (Sexual Abuse)، بی‌توجهی و فراموشی (Neglect) و سوء استفاده آموزشی (Educational Abuse) اشاره کرد.

نیوبک در مطالعات خود به این نتیجه رسید که هفتاد درصد والدین نسبت به فرزندانشان از شکل‌های متفاوت خشونت فیزیکی استفاده کرده و چهارده درصد کودکان از ضربات و آسیب‌های جدی وارد شده بر آنان رنج می‌بردند. بد رفتاری با کودکان با اشکال مختلف نظیر: استثمار نیروی کار کودکان، لذت جنسی بزرگسالان از آنان، بی‌خانمانی و سرگردانی بچه‌های بی‌سرپرست در خیابان‌ها و محرومیت و بی‌پناهی کودکان وجود دارد. واقعیت این است که کودک آزاری و غفلت نسبت به کودکان، هم عواطف

کودکان را جریحه‌دار می‌سازد و هم به احساسات بزرگسالان لطمه می‌زند. زیان غفلت و سستی در این کار، به مراتب بیش از هزینه‌هایی است که بالقوه برای پیش‌گیری از آزار به کودکان پرداخت می‌شود.

خطرهایی که این کودکان را تهدید می‌کند گرایش به مواد مخدر، سرقت، قاچاق و حمل مواد مخدر و قرار گرفتن در باندهای فساد است. سازمان بهداشت جهانی در مورد سوء استفاده جنسی از این کودکان اعلام می‌دارد که بیماری‌های درمان‌ناپذیری چون ایدز و جذام در آن‌ها مشاهده شده است.

مهم‌ترین موردی که در این مقاله از کودکان آزار می‌رساند عبارت‌اند از:

سرقت: از جمله جرایم بسیار شایع در میان آنهاست، چنانچه این کودکان اسیر باندهای تبهکاری نشده باشند، سرقت‌های آنان بیش‌تر جزئی و شامل مواد خوراکی و یا مبالغه‌آمیزی که برای زنده ماندن احتیاج دارند، است.

مصرف مواد مخدر: مصرف مواد مخدر ممکن است برای فرار از سرما یا افسردگی و تنش‌های روانی و خستگی جسمانی باشد.

در تحقیقی که سازمان بهداشت جهانی (WHO) روی بیش از ۵۵۰ کودک انجام داد، مشخص شد که نزدیک به صد درصد کودکان خیابانی در شهرهای تورنتو و مونترال از داروهای مخدر استفاده می‌کنند.

– انحرافات جنسی، بیش‌تر در کودکان کارتن خواب شایع است.

– خرید و فروش مواد مخدر، به دلیل سودآور بودن آن از اهمیت بالایی نزد کودکان خیابانی برخوردار است.

– تکدی و ولگردی، از جرایم بسیار شایع در میان کودکان خیابانی است.

کودکان خیابانی قربانی شرایط نامساعد خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه‌اند. بزه‌دیدگی این کودکان ابعاد بسیار وخیم و گسترده‌ای دارد. امروزه بزه‌دیدگی کودکان جنبه‌ی فراملی به خود گرفته و سازمان‌های تبهکاری بین‌المللی در این زمینه نقش فعالی دارند. در گزارشی آمده است:

کودکان خیابانی با مرگ تدریجی در حال نابود شدن هستند و هیچ‌کس نگران آن‌ها نیست و بعضاً در کنار خیابان‌ها می‌میرند و وحشتناک‌تر اینکه باندهای قاچاق، بسیاری از کودکان خیابانی را دزدیده و برای تخلیه و فروش اعضای داخلی بدن، آن‌ها را به ترکیه می‌برند. (روزنامه رسالت ۲۲ مهر ۸۱ به نقل از خبرگزاری ایرنا)

به‌طور خلاصه می‌توان جرایم علیه کودکان را بدین صورت معرفی کرد:

۱- قتل، در شهرهای بزرگ این کودکان قربانیان تبهکاران و پلیس می‌شوند، برای نمونه، پلیس فدرال برزیل در مجموع تعداد ۴۶۱۱ مورد از قتل کودکان و نوجوانان در یک دوره سه‌ساله (۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ م.) ثبت کرده است.

۲- اعمال خشونت‌آمیز و آزار جنسی یا روانی.

۳- سوء استفاده جنسی یا تجاوزات جنسی، که نسبت به کودکان خیابانی بزرگ‌تر و یا سایر افراد صورت می‌گیرد.

۴- خرید و فروش این کودکان، در داخل کشور برای تکدی یا اعمال مجرمانه یا ارسال آن‌ها به خارج از کشور.

۵- خرید و فروش اعضای بدن این کودکان، از کشورهای در حال توسعه و ارسال به کشورهای پیشرفته.

در واقع کودکان خیابانی به دلیل ضعف جسمانی و روانی، "بزه‌دیدگان بالقوه" محسوب می‌شوند و آماجی مطلوب برای سوء استفاده‌کنندگان و به ویژه باندهای تبه‌کاری هستند.

راه‌های برخورد با کودکان

برای کاهش تعداد کودکان خیابانی و بهبود کیفیت زندگی آنان اقدامات اساسی بایستی صورت گیرد:

۱- راهکارهای بلندمدت، نظیر تدوین برنامه‌ریزی کلان، از بین بردن فقر، برقراری عدالت اجتماعی، تأمین رفاه اجتماعی و ... که مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

۲- راه کارهای کوتاه مدت و میان مدت:
 ۱-۲- شناسایی کودکان خیابانی، که مستلزم انجام تحقیقات تخصصی در باب پدیده کودکان خیابانی است.

۲-۲- ایجاد سرپناه مناسب بر حسب وضعیت کودکان برای آن‌ها.

۲-۳- آرایه سرویس لازم به کودکان خیابانی در زمینه‌های آموزش، بهداشت و ...

۲-۴- جلوگیری از کار کودکان یا نظارت بر کار آن‌ها.

۲-۵- آرایه خدمات مورد نیاز به خانواده‌های کودکان خیابانی.

۲-۶- تدوین قوانین مورد نیاز برای حمایت از کودکان خیابانی.

۲-۷- تحت پوشش قراردادن خانواده‌های کودکان خیابانی.

۲-۸- مشخص کردن سازمان مسؤوّل حمایت از کودکان خیابانی.

۲-۹- استفاده از مشارکت مردمی در حمایت از کودکان خیابانی.

۲-۱۰- ایجاد شبکه یا نظام یکپارچه مراقبت و حمایت از کودکان خیابانی.

۲-۱۱- اصلاح سیستم آموزش کشور و فراهم کردن شرایط ادامه تحصیل برای کودکان.

۲-۱۲- نظارت جدی بر کنترل جمعیت و تدوین قانون در این مورد.

۲-۱۳- تأسیس و فعال‌سازی دادگاه اطفال.

۲-۱۴- تأسیس مرکز یا بنیاد تحقیقاتی و پژوهشی در مورد کودکان که

متخصصین مربوط در قالب یک تیم تخصصی متشکل از پزشک، روان‌شناس، روان‌پزشک، جامعه‌شناس، جرم‌شناس، سیاستمدار، حقوقدان و ... روی این کودکان تحقیقات عمیق و گسترده‌ای انجام دهند.